



فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام - سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۸

صص ۳۵ - ۱۷

بررسی اقتصاد نفتی کشورهای مسلمان در سیاست پترودلار بر اساس مدل SWOT

دکتر جمال بافرانی* - استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۷

چکیده

سیاست خارجی آمریکا در خلال چند دهه گذشته، در مسیر تحکیم موقعیت دلار به عنوان ارز اصلی در معاملات نفتی کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه و ذخایر ارزی سایر کشورها حرکت کرده است. سیاست پترودلار آمریکا، نظمی را ایجاد کرده که بر پایه آن بهای خرید نفت از فروشندگان مسلمان با دلار تعیین می‌گردد. آن‌ها بر این باورند که اگر ارز دیگری به جای دلار در معاملات نفتی به ویژه در کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه چنین موقعیتی را پیدا کند، بسیاری از کشورها دلارهای ذخیره شده خود را خواهند فروخت و این وضع موقعیت دلار را نسبت به ارزهای معتبر دیگر تضعیف خواهد کرد. این مقاله، روندهای حاکم در اقتصاد سیاسی نفت کشورهای مسلمان‌نشین خاورمیانه را به عنوان فروشندگان نفت در بازار مبادلات نفت در جنگ پترودلار بر اساس مدل SWOT مورد بررسی قرار می‌دهد.

کلید واژگان: جنگ پترودلار، اقتصاد سیاسی نفت، بازار نفت جهان، بازار نفت مسلمانان.

۱. مقدمه

در دنیای امروز اکثر نفت جهان بر پایه دلار آمریکا خرید و فروش می‌شود. از آنجا که اکثر کشورها، به واردات نفت از کشورهای اسلامی خاورمیانه متکی هستند، ناگزیرند ذخایر ارزی فراوانی را به دلار برای استمرار واردات نفت نزد خود نگه دارند. این امر به ایجاد تقاضای مستمر برای دلار آمریکا و در نتیجه فشار برای افزایش ارزش دلار در برابر دیگر ارزها منجر می‌گردد. صرف نظر از آنکه اوضاع اقتصادی در آمریکا چگونه باشد این وضع به آمریکا امکان می‌دهد که در مقایسه با دیگر کشورها، کسری بودجه بسیار بالاتری را بدون بروز بی‌ثباتی مالی، تحمل کند. در نتیجه آمریکا به راحتی می‌تواند از راه چاپ پول، از فروشندگان مسلمان نفت را با درجه بالای کیفیت خریداری کند (Gokay, 2006:9).

از سوی دیگر این وضع سبب می‌شود که بهای نفت خاورمیانه در مقایسه با دیگر رقبا برای آمریکا با ثبات‌تر باشد؛ زیرا نفت وارداتی آمریکا در معرض نوسانات دائمی نرخ‌های مبادله ارز قرار نمی‌گیرد. با توجه به حجم عظیم واردات نفت از کشورهای اسلامی به آمریکا، این پیامدها، اهمیت سیاسی فراوانی دارند. بهای نفت در آمریکا همواره نقش سیاسی مهمی داشته است. عراق در سال ۲۰۰۰ فروش نفت خود را در چارچوب برنامه نفت در برابر غذا، از دلار به یورو تغییر داد. اما پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، فروش نفت این کشور به دلار دوباره از سر گرفته شد. ایران نیز هم‌چون ونزوئلا اقدام مشابهی را در رویگردانی از فروش نفت خود به دلار در پیش گرفت. در نتیجه بخشی از علت افزایش شدید بهای نفت در سال‌های نخست قرن جدید، به کاهش مستمر بهای دلار ارتباط داشته است.

با این همه باید توجه داشت که علت اینکه دلار توانسته است نقش ارز ذخیره اقتصاد جهان را عهده دار شود در درجه اول به قدرت اقتصادی آمریکا باز می‌گردد. سهم بالای تولید ناخالص آمریکا در سطح جهان و هم‌چنین سهم نخست این کشور در معاملات تجاری و مالی کشورهای اسلامی به همراه ثبات نسبی بهای دلار نسبت به دیگر ارزها، در این امر نقش مهمی داشته است. از این رو نمی‌توان تصور کرد که موقعیت دلار به عنوان ارز ذخیره بین‌المللی، تنها به شگردهای

سیاسی ایالات متحده متکی بوده است. هر چند که این موضوع را نمی‌توان بی‌تأثیر تلقی کرد (Azari,2007:73-74).

۲. روش تحقیق

این مقاله، علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای، مبتنی بر روش مطالعات پیمایشی است و از تکنیک (SWOT) و تکنیک توافق و اجماع خبرگان (Delphi) استفاده شده است. در نتیجه این مقاله بر اساس طرح تحقیق توصیفی- پیمایشی است و از نظر ماهیت، تحلیلی و اکتشافی است که با استفاده از ترکیبی از مدل‌های کمی و کیفی تدوین گردیده است.

۳. مبانی نظری

نظریه ساختار - کارگزار

در این نظریه می‌توان شماری از بازیگران را با توانایی‌های متفاوت برای تأثیرگذاری بر بازار در نظر گرفت که درون یک ساختار ویژه بین‌المللی عمل می‌کنند. این ساختار به معنای قواعد کلان بازی این بازیگران است و در این وضعیت بین ساختار و کارگزار پیوندی دو سویه برقرار است؛ به این معنا که هر یک بر دیگری تأثیر متقابل دارد. بر این پایه، بازیگران (به ویژه بازیگران بزرگ تولید کننده نفت جهان اسلام و بزرگ‌ترین خریداران نفت) ضمن تأثیرپذیری از قواعد موجود قادرند در شرایطی ویژه، از تنگناهای قواعد موجود فراتر بروند و حتی قواعدی نو را بیافرینند (Hajiyousefi,2002:109). رابطه تعاملی میان ساختار و کارگزار به شکل جدی‌تر در رویکرد «واقع‌گرایی انتقادی» توسط روی بسکار^۱ و جسوب^۲ مطرح گردید. به گفته این دو، ساختار و کارگزار را باید همچون دو فلز درون یک آلیاژ نگریست که آنچنان درهم آمیخته‌اند که تمایزشان از یکدیگر امکان‌پذیر نیست. بدین معنا که ساختار و کارگزار به لحاظ نظری از یکدیگر قابل تفکیک هستند، اما در عمل کاملاً درهم تنیده‌اند (Marsh,1999:319).

1.Roy beskar

2.Jessop

نظریه ثبات هژمونیک

یکی از دیدگاه‌های مهمی که در حوزه اقتصاد سیاسی بین‌الملل، رفتار آمریکا را در بازار نفت توضیح می‌دهد، نظریه «ثبات هژمونیک» است. نظریه ثبات هژمونیک در روابط بین‌الملل، از زیرشاخه‌های مکتب رئالیسم است که طبق آن گفته می‌شود جریان منظم و اثبات اقتصاد بین‌المللی مستلزم مدیریت یک قدرت برتر است. قدرت برتر یا هژمون از یک سو دارای بزرگ‌ترین و قوی‌ترین قابلیت‌دهی اقتصادی همراه با سطح بالایی از نیروی نظامی و نفوذ ایدئولوژیک است و از سوی دیگر مروج فعال اقتصاد لیبرال در عرصه بین‌الملل به حساب می‌آید. بر پایه نظریه ثبات هژمونیک، مناسب‌ترین نوع توزیع قدرت، توزیع هژمونیک آن است، به گونه‌ای که قدرت هژمون ضمن جلب رضایت دولت‌های ضعیف‌تر به ویژه قدرت‌های درجه دوم، به اعمال مقررات اقتصاد لیبرال نیز می‌پردازد (Najafi-Sayyar, 2010:27).

اقتصاد سیاسی نفت جهان

نفت امروزه در یک بازار به هم پیوسته جهانی مبادله می‌شود و عوامل مختلفی بر سازوکارهای عرضه و تقاضا در بازار نفت تأثیر دارند. نفت به عنوان کالایی استراتژیک، بر جریان‌های قدرت و ثروت جهانی به شدت تأثیر می‌گذارد و از سیاست‌ها و استراتژی‌های مراکز قدرت تأثیر می‌پذیرد. بر مبنای نظریه ساختار-کارگزار می‌توان به درک بهتری از روابط پیچیده متغیرهای تأثیرگذار در بازار نفت بین‌الملل و جهان اسلام در جنگ پترودلار دست یافت.

دوره جهانی شدن بازار نفت و شکل‌گیری بازار پترو دلار

صنعت جهانی نفت در خلال شوک نفتی سال ۱۹۷۳ از نو سازماندهی و یک دست شد. در این زمان، سازوکارهای کنترل بهای نفت در آمریکا که در چارچوب تدابیر کمیسیون نفت تگزاس عمل می‌کرد کنار گذاشته شد. قیمت تولید نفت ایالات متحده به قیمت تنظیم‌کننده تولید برای کل این صنعت در سراسر جهان تبدیل گردید و بدین ترتیب زمینه شکل‌گیری یک «بازار واحد جهانی پترو دلار» فراهم آمد. در این زمان تفاوت شدید هزینه تولید در آمریکا و کشورهای جهان

اسلام، سبب افزایش درآمد رانتی حاصل از تولید نفت در این مناطق گردید. بحران ۱۹۷۳-۱۹۷۴ را باید بازتاب دگرگونی‌های چند جانبه بزرگ‌تر در بازار تلقی کرد که عبارتند از:

الف) یک دست شدن جهانی صنعت نفت (از پایین‌ترین تا بالاترین ساختار هزینه، تحت یک قاعده و نهاد قیمت گذاری)

ب) ملی کردن نفت در مقابل کارتل بین‌المللی نفت توسط دولت‌های نفتی

پ) کارتل‌زدایی از نفت ایالات متحده و بازسازی صنعت نفت آن کشور

ت) ارزش یافتگی عمومی مالکیت ذخایر نفت تحت الارضی جهان و شکل‌گیری رقابتی رانت تفاضلی در جهان نفت

ث) بهبود موقعیت اوپک در دریافت رانت‌های نفتی

ج) تکثیر و تعدد بازارهای رقابتی و جهانی نفت، لغو «قیمت اعلان شده» و استقرار قیمت‌های جهانی «تک محموله» نفت

چ) شکل‌گیری بازار نفت به صورت به هم پیوسته و یکپارچه (Bina, 2006: 16-18).

از اوایل دهه ۱۹۸۰ تغییرات جدیدی در صنعت نفت پدید آمد که البته ریشه در تحولات بنیادی دهه قبل داشت. در واقع کاهش نقش بازیگران دولتی در بازار پترودولار در این زمان، ماهیت یکپارچه شده بازار نفت را هر چه بیشتر آشکار ساخت. ماهیت کنونی صنعت نفت جهان نیز تحت تأثیر همین تحولات شکل گرفته است. به طور کلی دو تحول عمده در این زمان قابل شناسایی است:

تحول نخست: به گسترش بازارهای معاملات تک محموله و آتی نفت مربوط می‌شود.

تحول دوم: نیز شامل بازگشت شرکت‌های چند ملیتی به عرصه تولید نفت در سطح جهان است. این بازگشت تحت تأثیر افزایش شمار کشورهای تولیدکننده نفت و بازگشایی صنایع بالادستی شماری از کشورهای صاحب نفت به روی فعالیت‌های شرکت‌های نفتی پدید آمد. از اوایل دهه ۱۹۸۰، این دو نیروی عمده غیردولتی (شرکت‌های نفتی و بازارهای مبادلات نفت) به طور عمده به ایفای نقش در صنعت نفت جهان پرداختند و در عوض نقش دولت‌ها در شکل دادن به تحولات بازار پترودولار کاهش یافت (Mirtorabi, 2005: 153).

گسترش بازارهای مبادلات نفت که زمینه ساز پیدایش بورس‌های نفتی شد، طیف گسترده‌ای از معاملات را میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نفت رایج کرد. گسترش این بازارها به معنای سپردن کنترل بهای نفت به سازوکار عرضه و تقاضا در بازار بود. به عبارت دیگر با ظهور این بازارها، نفت دیگر همانند دو دوره قبل، کالایی نبود که بهای آن توسط شرکتی عظیم یا تولیدکنندگان نفت تعیین شود، بلکه تعیین بهای نفت تا اندازه قابل توجهی به سازوکار بازار پتrodollar سپرده شد (Hajiyousefi, 2000: 755). به این معنا که نقش جریان‌های عرضه و تقاضا به عنوان عوامل بنیادی بازار، در تعیین بهای نفت افزایش یافت و در عین حال تأثیر اقدامات دیگر بازیگران بر بهای نفت، به میزان اثرگذاری آن اقدامات بر عوامل بنیادی بازار، بستگی پیدا کرد.

روند خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی بخش نفت که از دهه ۱۹۸۰ میلادی ابتدا در کشورهای عمده مصرف‌کننده آغاز شد به تقویت سازوکار بازار پتrodollar در این بخش کمک مهمی کرد. در کنار این روند، مداخلات دولت در بخش نفت کاهش یافت و شرکت‌های ملی نفت نیز به جریان خصوصی‌سازی سپرده شدند و دست کم بخشی از سهام این شرکت‌ها به بخش خصوصی واگذار شد. کاهش مداخلات دولت‌ها در بازار نفت و محدود کردن عرصه فعالیت شرکت‌های ملی نفت، با ایجاد زمینه‌های جدید فعالیت برای شرکت‌های نفتی خصوصی و از جمله شرکت‌های چند ملیتی نفتی همراه بود (Morse, 1999: 53). بدین ترتیب می‌توان گفت از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، تحولات ساختاری بزرگی در صنعت و بازار نفت جهان به وقوع پیوست و طی آن بازیگران غیردولتی هم‌چون بازارهای مبادلات نفت و شرکت‌های خصوصی نفت موقعیت خود را در بازار نفت به ویژه در حوزه خاورمیانه ارتقا بخشیدند. در این میان دولت‌های حوزه خلیج فارس، عرصه مداخلات خود را در بخش نفت در مقایسه با دهه ۱۹۷۰، محدودتر کردند و روابط جدیدی را با نیروهای غیردولتی فعال در بخش نفت برقرار نمودند.

ناسیونالیسم نفتی

ناسیونالیسم نفتی در کشورهای اسلامی صاحب نفت

جنبش ناسیونالیستی نفتی در مراحل اولیه کشورهای اسلامی صاحب نفت، دستاوردهای قاطعی به همراه نداشت. علت این امر، ضعف ساختاری کشورهای اسلامی صاحب نفت در مقابل شرکت‌های بزرگ نفتی و دولت‌های قدرتمند حامی این شرکت‌ها بود. در سال‌های بعد یک رشته عوامل دیگر، به تغییر روابط قدرت‌های بزرگ با غول‌های نفتی منجر شد و همین امر به توفیق ناسیونالیسم نفتی در کشورهای صاحب نفت در دهه ۱۹۷۰ میلادی کمک کرد.

ناسیونالیسم نفتی در کشورهای مصرف کننده نفت

در دهه ۱۹۶۰ میلادی، تغییراتی در سیاست دولت‌های بزرگ نسبت به مسائل نفت پدید آمد. بدین ترتیب که تعدادی از کشورهای بزرگ وارد کننده نفت همانند فرانسه، ایتالیا و ژاپن به این نکته پی بردند که عرضه نفت آنها بیش از اندازه به شرکت‌های چند ملیتی نفتی وابسته شده است. در همین راستا، شرکت‌های ملی نفت در این کشورها پدید آمدند که از وضعیت حقوقی ویژه‌ای برخوردار بودند و کم و بیش خصلتی انحصاری در زمینه فعالیت‌های نفتی داشتند. در واقع می‌توان گفت در این زمان نوعی ناسیونالیسم نفتی در کشورهای مصرف کننده نیز در حال شکل‌گیری بود. علت این ناسیونالیسم نفتی، افزایش نگرانی درباره امنیت عرضه نفت و بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به فعالیت شرکت‌های چند ملیتی نفتی در منطقه خاورمیانه بود (Blair, 1976).

پیروزی ناسیونالیسم نفتی در کشورهای اسلامی دولت‌های عضو اوپک

دولت‌های عضو اوپک پس از یک رشته مذاکرات با شرکت‌های نفتی، کنترل منابع نفتی خود را در دست گرفتند. این مذاکرات به ملی کردن دارایی‌های بخش بالا دستی شرکت‌های چند ملیتی در کشورهای نفت خیز جهان اسلام منجر شد. این تحولات سبب شد کشورهای صاحب نفت مسلمان که این بار در نقش «تولید کننده» وارد بازار شده بودند، کنترل قیمت را در دست بگیرند. بدین ترتیب در دهه ۱۹۷۰ بازار نفت جهان ویژگی‌های جدید و منحصر به فردی پیدا کرد که عبارت بود از:

الف. ناسیونالیسم نفتی

ب. کنترل قیمت توسط تولید کنندگان نفت

ج. استفاده از نفت به عنوان ابزاری سیاسی در دست تولید کنندگان نفت و همچنین ابزاری برای توزیع ثروت جهانی

د. پاسخ دسته جمعی کشورهای مصرف کننده نفت به تهدید کشورهای صادر کننده خاورمیانه (از جمله تشکیل آژانس بین‌المللی انرژی، اعمال مالیات بر مصرف انرژی، ایجاد ذخایر راهبردی و تصویب لوایح تحریمی) (Hajiyousefi, 2000: 753).

جنگ پترودلار:

دیدگاهی است که بر پایه آن گفته می‌شود سیاست خارجی آمریکا در خلال چند دهه گذشته، در مسیر تحکیم موقعیت دلار به عنوان ارز اصلی در ذخایر ارزی کشورها و معاملات نفت، حرکت کرده است. هواداران این دیدگاه می‌گویند آمریکا نظمی را ایجاد کرده که بر پایه آن بهای نفت و بسیاری از مواد خام دیگر با دلار تعیین گردد. آن‌ها بر این باورند که اگر ارز دیگری فرضاً یورو به جای دلار چنین موقعیتی را پیدا کند، بسیاری از کشورهای دلارهای ذخیره شده خود را خواهند فروخت زیرا دیگر برای خرید کالاهایی هم‌چون نفت و گاز به آنها نیاز نخواهند داشت. این وضع موقعیت دلار را نسبت به ارزهای معتبر دیگر به شدت تضعیف خواهد کرد. به گفته هواداران این دیدگاه، بسیاری از جنبه‌های سیاست خارجی آمریکا از جمله جنگ‌های خاورمیانه را بر همین پایه می‌توان توضیح داد (Gokay, 2006: 8).

نظریه ساختار و کارگزار در ارتباط با بازار جهانی نفت و پترو دلار

تعامل میان ساختار و کارگزار را می‌توان در ارتباط با بازار جهانی نفت خیز مسلمان به عنوان ساختار بسیار مهمی که بر عملکرد بازیگران عرصه نفت تأثیر می‌گذارد، مطرح کرد. در بازار نفتی جهان اسلام دست کم شماری از این بازیگران قدرتمند، از توانایی لازم برای پیشبرد اهداف خاص خود در حوزه انرژی و فراتر رفتن گاه به گاه از تنگناهای ساختاری بازار نفت

بین‌الملل بهره‌مند هستند. بنابراین رابطه‌ای دوسویه را می‌توان میان شماری از بازیگران قدرتمند بازار نفت جهان اسلام و ساختارهای کلان بازار پترو دلار در سطح بین‌الملل در نظر گرفت. (در اینجا مقصود از ساختار، قواعد و رویه‌هایی است که طی آن ذخایر نفت جهان اسلام با بازارهای مصرف پیوند می‌خورد) (Mirtorabi, 2005: 155). در این رابطه دوسویه، قواعد و رویه‌های خاص بازار هم‌چون تولید، بازاریابی، قیمت‌گذاری و مصرف نفت در هر دوره، بر عملکرد بازیگران مسلمان تأثیر می‌گذارد و در سوی دیگر، مسلمانان بسته به توان و موقعیت خود در عرصه نفت، تلاش می‌کنند قواعد و رویه‌های بازار پترو دلار را در چارچوب منافع خود شکل دهند. اینجاست که این بازیگران از نظر تأثیرگذاری بر رویه‌ها و قواعد بازار پترو دلار در چارچوبی سلسله‌مراتبی، دسته‌بندی می‌شوند و به طور عمده بزرگ‌ترین بازیگران بازار پترو دلار از توان تأثیرگذاری و شکل‌دهی به قواعد و ساختارهای بازار بهره‌مند می‌گردند (Mirtorabi, 2005: 187).

ویژگی‌های ساختاری بازار پترو دلار جهان اسلام

از دهه ۱۹۷۰ تاکنون بازار پترو دلار ویژگی‌های ساختاری خاصی را از خود به نمایش گذاشته که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- ۱ - نوسان شدید بهای نفت در بازار پترو دلار مسلمانان
 - ۲ - سلطه (یا تلاش برای اعمال سلطه) قدرت هژمون (آمریکا) بر بازار پترو دلار مسلمانان
 - ۳ - سرشت استراتژیک کالای مورد مبادله در بازار پترو دلار مسلمانان
 - ۴ - امکان ایجاد ذخایر حائل در بازار پترو دلار
 - ۵ - عدم تناسب توزیع جغرافیایی ذخایر و حوزه‌های مصرف در بازار پترو دلار
- نوسان شدید بهای نفت در بازار نفتی مسلمانان

بازار نفت از دهه ۱۹۷۰ به بعد نوسان‌های بسیاری را تجربه کرده است. بروز دو شوک ناشی از افزایش شدید بهای نفت در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ و یک شوک ناشی از کاهش شدید در اواسط دهه ۱۹۸۰، نمونه‌ای از نوسان‌های شدید بهای نفت در بازار است. بهای نفت در بازار در سال‌های بعد نیز همین نوسان‌ها را ادامه داد. افزایش شدید اما موقت قیمت نفت در پی آغاز عملیات آزادی‌سازی کویت در سال ۱۹۹۱، کاهش شدید قیمت نفت در سال ۱۹۹۷ به واسطه

بحران مالی در آسیا و افزایش شدید و پلکانی بهای نفت از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ و کاهش شدید قیمت نفت در همین سال از ۱۴۷ دلار به حدود ۳۷ دلار، گواهی بر خصلت پرنوسان بهای نفت در چهار دهه اخیر است.

تأثیر هزینه تولید نفت بر نوسان شدید بهای نفت

هزینه تولید نفت در نقاط مختلف دنیا، تفاوت بسیاری با هم دارد. این هزینه به لحاظ تاریخی از ۲ دلار (عربستان) تا حدود ۲۰ دلار (دریای شمال) در نوسان بوده و امروز از حدود ۵ دلار تا ۷۰ دلار (نفت‌های غیر متعارف) در هر بشکه در نوسان است. بنابراین در شرایط عرضه نفت فراوان، امکان سقوط قیمت به زیر ده دلار در هر بشکه و در شرایط کاهش عرضه امکان صعود شدید بهای نفت، دور از ذهن نیست و در واقع امری است که رخ داده است. هر چند که در دنیای امروز باید ارقام بسیار بالاتری را برای سقف و کف قیمت‌های نفت در نظر گرفت.

خصلت پرنوسان بهای نفت سبب شده، الگوسازی‌های تئوریک در حوزه اقتصاد برای تشریح و پیش‌بینی بهای نفت در بازار، با ناکامی مواجه شوند از سوی دیگر هزینه استخراج نفت نیز تحت تأثیر پیشرفت‌های تکنولوژیکی یا موقعیت مخازن نفتی دچار تغییر می‌شود. الگوی تقاضا در بازار نفت نیز تحت تأثیر عوامل مختلفی است که پیش‌بینی دقیق آن را با مشکل روبرو می‌کند. فرضاً وضعیت رشد اقتصادی کشورهای مسلمان تولید کننده نفت، عوامل آب و هوایی و ترجیحات خاص مصرف کنندگان نفت بر تقاضا تأثیر می‌گذارد (Noreng, 2006:57).

درست است که در بازار نفت در نهایت موازنه عرضه و تقاضا، قیمت را تعیین می‌کند با این حال، بازار نفت کشورهای مسلمان، یک بازار کاملاً رقابتی نیست. در این بازار خریداران و فروشندگان فراوانی یافت می‌شوند، اما شمار عرضه‌کنندگان کم‌تر است و تعدادی از این عرضه‌کنندگان، از توانایی خاصی در کاهش یا افزایش سقف تولید خود برای تأثیرگذاری بر بهای بازار بهره‌مند هستند. به زبان اقتصادی، بازار خصلت اولیگوپولی «شبه انحصاری» دارد و شماری از دولت‌های صادر کننده که در منطقه بی‌ثبات خاورمیانه واقع شده‌اند، توانایی بالایی در تأثیرگذاری بر بهای نفت دارند. این وضع به تشدید خصلت بی‌ثبات بازار نفت کمک کرده است (Noreng, 2006:58).

سلاح نفت

نفت به عنوان سلاح آمریکا

واقعیت این است که کشورهای مصرف کننده نفت، به کالایی احتیاج مبرم دارند که از منابع به نسبت محدودی، در بازار نفت کشورهای مسلمان باید خریداری شود. در عین حال هیچ جایگزینی برای مصرف نفت نیز متصور نیستند. در این شرایط مصرف کننده نفت، نسبت به هر گونه اقدام عرضه کنندگان (کشورهای مسلمان نشین خاورمیانه) در محدود یا متوقف کردن عرضه، به شدت آسیب پذیر است. در واقع دنیای صنعتی امروز، هرگونه اختلال در عرضه را به ویژه از سوی مسلمانان با نگرانی دنبال می کند و در پیش گرفتن تدابیری هم چون ایجاد ذخایر راهبردی و تجاری نفت، به نگرانی ها در این باره پایان نداده است. سیاست چند ده ساله «تضمین عرضه مستمر نفت به بازارهای جهان» به عنوان یکی از مهم ترین اولویت های آمریکا در ارتباط با بازار نفت مسلمانان، نشان دهنده اهمیت این موضوع است. اعلام این سیاست، به طور ضمنی به معنای مخالفت و اشنگتن با هر گونه تلاش کشورهای مسلمان صادر کننده نفت، برای بهره گیری از نفت به عنوان اهرم فشار علیه غرب است (Yergin, 1995:559).

نفت به عنوان سلاح مسلمانان

براساس سند طبقه بندی شده ای که سازمان سیا منتشر شد، آمریکا در دهه ۱۹۸۰ میلادی از سلاح نفت علیه شوروی برای افزایش فشار بر اقتصاد این کشور بهره گرفته است. بر پایه این سند، ایالات متحده در اواسط دهه ۱۹۸۰، سعودی ها را متقاعد کرد که با افزایش تولید، بازار نفت را اشباع کنند تا قیمت ها در بازار به شدت پایین بیاید. شوروی در این زمان برای هموردی با مسابقه تسلیحاتی که دولت ریگان آغاز کرده بود و هم چنین تأمین هزینه های جنگ در افغانستان، از نظر اقتصادی به شدت تحت فشار بود. در این زمان شوروی ناگزیر شد تولید نفت خود را به حداکثر میزان ممکن افزایش دهد (۱۲/۵ میلیون بشکه نفت در روز در سال ۱۹۸۷) تا فشار ناشی از کاهش شدید قیمت نفت در بازار را بکاهد. در پی این اقدام، شوروی با وجود افزایش تولید، درآمد کمتری به دست آورد و همین مسأله در تشدید مشکلات اقتصادی و فروپاشی نهایی آن نقش مهمی داشت. در واقع این اقدام عربستان، تا اندازه زیادی به تحولات صحنه جنگ ایران و

عراق در پی تصرف فاو و تحت فشار قرار دادن ایران برای پایان دادن به جنگ بوده است (Heshmatzadeh, 2000:6). ایران نیز در دوره پس از انقلاب، چند بار از کشورهای تولید کننده نفت در منطقه دعوت کرد از سلاح نفت برای مقابله با سیاست‌های غرب در خاورمیانه استفاده کنند اما همراهی لازم با این درخواست ایران صورت نگرفت.

در هر حال مهم‌ترین نمونه بهره‌گیری از سلاح نفت از سوی مسلمانان به تحریم نفتی اعراب علیه آمریکا در سال ۱۹۷۳ باز می‌گردد. این تحریم که در پی حمایت آشکار واشنگتن از اسرائیل در خلال جنگ چهارم اعراب و اسرائیل صورت گرفت، شوک شدیدی در بازار پدید آورد و بهای نفت را تا چهار برابر افزایش داد. البته زمینه‌های ساختاری بروز چنین شوکی در بهای نفت از پیش فراهم شده بود. به لحاظ تجربه تاریخی، کاربرد سلاح نفت، تنها از جانب کشور عرضه کننده بر ضد مصرف کننده نبوده بلکه گاهی اوقات بزرگ‌ترین صادرکنندگان، از سلاح نفت بر ضد رقبای خود بهره گرفته‌اند که در این باره به می‌توان به اقدامات عربستان علیه ایران اشاره کرد.

رابطه مستقیم ضعف و بحران شوک قیمتی در بازار نفت

بررسی تجربیات جهانی نشان‌دهنده دو رویکرد جدی در برخورد با بحران شوک قیمتی در بازار نفت وجود دارد. کشورهای غربی دارنده نفت که عموماً جزو کشورهای توسعه یافته دسته‌بندی می‌شوند، بحران را فرصت مناسبی برای انعکاس ضعف‌های سیستمی خود می‌دانند. در سوی دیگر اما کشورهای مسلمان با هراس از به کار بردن واژه «بحران» از آرام‌بخش‌های موقتی استفاده می‌کنند. راه‌حلی‌هایی که تنها حل مساله اصلی را به تأخیر می‌اندازد و نتیجه‌ای جز یک چالش آتی عمیق‌تر در بلندمدت نخواهد داشت.

یکی از نقاط زایش بحران برای کشورهای مسلمان متکی به درآمد نفتی، «شوک قیمتی در بازار نفت» است. نکته جالب توجه که در بررسی تجربیات جهانی مقابله با بحران نفتی به چشم می‌خورد، این واقعیت است که عمق فاجعه نفتی حاصل از افت قیمت نفت، با رویکرد غالب در زمان وفور درآمد نفتی رابطه معناداری دارد. در واقع بحران افت نفت زمانی پدیده خواهد

بود که دولت‌ها دلارهای نفتی را به جای تقویت ساختار اقتصادی و ظرفیت مقابله با بحران، صرف متورم کردن اقتصاد کرده باشند.

بررسی داستان‌های بحران نفتی از چند جهت حائز اهمیت است: اولاً در ریشه‌یابی عوامل بحران و ثانیاً در یافتن کریدور خروج از بحران. از آنجا که ضعف سیستم اقتصادی کشورهای مسلمان در پاسخگویی به شوک اقتصادی عامل اصلی وقوع بحران ناشی از افت قیمت نفت در این کشورهاست، کریدور خروج از بحران، ناشی از همگرایی کشورهای مسلمان نفت خیز، در روزهای پیش از بحران نیز می‌تواند به عنوان نقشه طراحی ضربه‌گیر نوسان در جنگ پتrodollar مورد توجه سیاست‌گذاران مسلمان قرار گیرد (Mohebbi, 2016: 23).

تلاش برای اعمال سلطه قدرت هژمون بر بازار نفتی مسلمانان

آمریکا در دوره پس از جنگ سرد همواره نظری ویژه به بازار نفت جهان اسلام داشت و تلاش کرده، کنترل خود را بر روند این بازار اعمال کند. این سیاست به ویژه در حوزه خلیج فارس به عنوان مخزن انرژی جهان و گلوگاه صادرات نفت به اجرا درآمده است. در همین راستا، آمریکا در دوره پس از جنگ سرد همواره در تلاش بوده از تسلط رقبا یا دشمنان بر منابع نفت خلیج فارس جلوگیری به عمل آورد (Telhami, 2003: 3) و به زبان دیگر خود بر این منابع اعمال سلطه کند.

اهمیت استراتژیک کالای مورد مبادله در بازار پتrodollar

تردیدی نیست که نفت و فرآورده‌های همراه آن، جزو مهم‌ترین کالاهای مورد مبادله در دنیای امروز به حساب می‌آیند و رویکرد عموماً تبلیغاتی غرب از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ترویج این ایده که اهمیت استراتژیک نفت از بین رفته و این ماده باید به صورت کالایی معمولی همچون دیگر کالاها در بازار مبادله شود؛ حتی با عملکرد قدرت‌های غربی در حوزه نفت همخوانی نداشته است. به نظر می‌رسد ترویج این ایده، بیش‌تر در از بین رفتن هژمونی آمریکا بر بازار نفت و تضعیف کنترل همه‌جانبه شرکت‌های چند ملیتی غربی بر بخش‌های مختلف صنعت و بازار نفت جهان به ویژه در حوزه خلیج فارس ریشه دارد، این در حالیست که امروز نفت و گاز طبیعی هم‌چنان حدود ۶۰ درصد نیازهای دنیای صنعتی به انرژی را تأمین می‌کند (Everest, 2006: 38).

۴. روش تحقیق

این مقاله، علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای، مبتنی بر روش مطالعات پیمایشی است و از تکنیک SWOT و تکنیک توافق و اجماع خبرگان Delphi استفاده شده است. اعضای گروه دلفی این مقاله را اساتید، صاحب‌نظران و محقق جغرافیای سیاسی تشکیل داده‌اند؛ که بر اساس روش طوفان ذهنی برای شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات، اولویت‌بندی عوامل داخلی و خارجی، تشکیل ماتریس SWOT، مقایسه عوامل داخلی و خارجی با یکدیگر و تعیین استراتژی‌های SO، WO، ST، WT به ماتریس طرح رقابتی CPM و SPACE دست یافتیم.

۵. تحلیل و تحلیل

تحلیل SWOT

در این مقاله بر اساس تحلیل SWOT و روش طوفان ذهنی برای شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات، اولویت‌بندی عوامل داخلی و خارجی، تشکیل ماتریس SWOT، مقایسه عوامل داخلی و خارجی با یکدیگر و تعیین استراتژی‌های SO، WO، ST، WT به ماتریس طرح رقابتی CPM و SPACE دست یافتیم.

جدول (۱): ماتریس CPM بازار پتrodلار، بازار نفت مسلمانان و اقتصاد سیاسی نفت

عوامل حیاتی		وزنها		بازار پتrodلار		بازار نفت مسلمانان		اقتصاد سیاسی نفت	
رتبه	نمره وزندار	رتبه	نمره وزندار	رتبه	نمره وزندار	رتبه	نمره وزندار	رتبه	نمره وزندار
۰,۱۸	۴	۰,۷۲	۳	۰,۵۴	۲	۰,۳۶	۲	۰,۳۶	۲
۰,۱۲	۴	۰,۴۸	۳	۰,۳۶	۳	۰,۳۶	۳	۰,۳۶	۳
۰,۰۹	۴	۰,۳۶	۳	۰,۲۷	۲	۰,۱۸	۲	۰,۱۸	۲
۰,۰۹	۲	۰,۱۸	۲	۰,۱۸	۲	۰,۱۸	۲	۰,۱۸	۲
۰,۰۷	۴	۰,۲۸	۳	۰,۲۱	۲	۰,۱۴	۲	۰,۱۴	۲
۰,۰۷	۴	۰,۲۸	۳	۰,۲۱	۲	۰,۱۴	۲	۰,۱۴	۲

نفت به عنوان سلاح مسلمانان (استفاده از نفت به عنوان ابزاری سیاسی در دست تولید کنندگان نفت جهان اسلام)

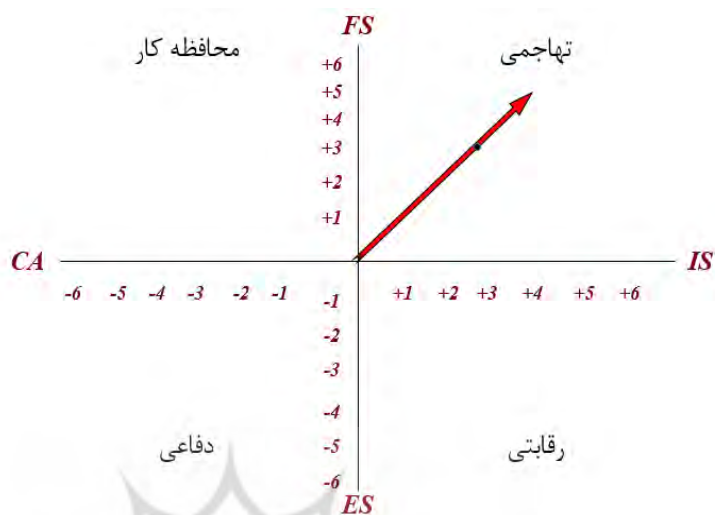
۰,۳۳	۳	۰,۳۳	۳	۰,۲۲	۲	۰,۱۱	ملی شدن نفت در جهان اسلام در مقابل کارتل بین‌المللی نفت توسط دولت‌های نفتی
۰,۴	۴	۰,۲	۲	۰,۱	۱	۰,۱	ناسیونالیسم نفتی در کشورهای صاحب نفت
۰,۳۲	۴	۰,۲۴	۳	۰,۲۴	۳	۰,۰۸	پاسخ دسته جمعی کشورهای مصرف کننده نفت به تهدید کشورهای صادر کننده خاورمیانه (از جمله تشکیل آژانس بین‌المللی انرژی، اعمال مالیات بر مصرف انرژی، ایجاد ذخایر راهبردی و تصویب لویح تحریمی)
۰,۲۷	۳	۰,۲۷	۳	۰,۳۶	۴	۰,۰۹	کاهش نقش دولت‌های خاورمیانه در شکل دادن به تحولات بازار پترودلار
۲,۶۸		۲,۸۱		۳,۲۲		۱	جمع

جدول (۲): ماتریس ارزیابی نقاط قوت و ضعف

امتیاز موزون	نسبت	وزن	نقاط قوت
۰,۳۶	۴	۰,۰۹	ملی شدن نفت در جهان اسلام در مقابل کارتل بین‌المللی نفت توسط دولت‌های نفتی
۰,۳۶	۴	۰,۰۹	ناسیونالیسم نفتی در کشورهای اسلامی صاحب نفت
۰,۴۴	۴	۰,۱۱	استفاده از نفت به عنوان ابزاری سیاسی در دست تولید کنندگان نفت جهان اسلام
۰,۴۴	۴	۰,۱۱	بازگشایی صنایع بالادستی شماری از کشورهای اسلامی به روی فعالیت‌های شرکت‌های نفتی
۰,۲۴	۴	۰,۰۶	پیدایش بورس‌های نفتی
۰,۳۶	۴	۰,۰۹	افزایش روند خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی بخش نفت در کشورهای مسلمان تولیدکننده نفت
امتیاز موزون	نسبت	وزن	نقاط ضعف
۰,۰۹	۱	۰,۰۹	شکل‌گیری رقابتی رانت تفاضلی در جهان نفت
۰,۱۶	۲	۰,۰۸	کاهش نقش دولت‌های خاورمیانه در شکل دادن به تحولات بازار پترودلار
۰,۱۴	۲	۰,۰۷	پاسخ دسته جمعی کشورهای مصرف کننده نفت به تهدید کشورهای صادر کننده خاورمیانه
۰,۱۶	۲	۰,۰۸	نوسان شدید بهای نفت در بازار نفتی مسلمانان
۰,۱۴	۲	۰,۰۷	تکثیر و تعدد بازارهای رقابتی و جهانی نفت
۰,۰۶	۱	۰,۰۶	گسترش بازارهای معاملات تک محموله و آتی نفت
۲,۹۵		۱	جمع

جدول (۳): ماتریس ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدها

امتیاز موزون	نسبت	وزن	فرصت‌ها
۰,۳	۳	۰,۱	جهانی شدن بازار نفت و بازگشت شرکت‌های چند ملیتی به عرصه تولید نفت در سطح جهان
۰,۱۶	۲	۰,۰۸	بهبود موقعیت اوپک در دریافت رانت‌های نفتی
۰,۲۷	۳	۰,۰۹	شکل‌گیری بازار نفت به صورت به هم پیوسته و یکپارچه
۰,۰۶	۱	۰,۰۶	نفت به عنوان سلاح مسلمانان در کنار اهمیت استراتژیک کالای مورد مبادله در بازار نفتی مسلمانان
۰,۴	۴	۰,۱	استقرار قیمت‌های جهانی «تک محموله» نفت
۰,۰۷	۱	۰,۰۷	دوره تسلط بازیگران دولتی بر بازار نفت (بین‌المللی شدن بازار)
امتیاز موزون	نسبت	وزن	تهدیدها
۰,۲۱	۳	۰,۰۷	جهانی شدن بازار نفت پترودلار
۰,۲۸	۴	۰,۰۷	نفت به عنوان سلاح آمریکا (کارتل‌زدایی از نفت ایالات متحده و بازسازی صنعت نفت آن کشور)
۰,۴	۴	۰,۱	افزایش شمار کشورهای تولید کننده نفت
۰,۱۶	۲	۰,۰۸	دوره تسلط شرکت‌های بزرگ نفتی (کارتلی شدن بازار) (کاهش قیمت نفت)
۰,۳۶	۴	۰,۰۹	ناسیونالیسم نفتی در کشورهای مصرف کننده نفت
۰,۲۷	۳	۰,۰۹	تلاش برای اعمال سلطه قدرت هژمون بر بازار نفتی مسلمانان
۲,۹۴		۱	جمع



نمودار (۱): ماتریس SPACE

۶. نتیجه گیری

بازار نفت را می توان متشکل از ساختارها و بازیگرانی به حساب آورد که در طول زمان روابط پیچیده تعاملی با هم برقرار می کنند. آن گونه که در این مقاله اشاره شد، ساختارهای بازار همواره به یک شکل نبوده اند و بازار به هم پیوسته و یکپارچه شده کنونی نفت در جهان اسلام، کم تر از یک قرن قدمت دارد. ضمن اینکه همین بازار، تحولات مهمی را از دهه ۱۹۷۰ تاکنون در درون خود تجربه کرده است. ساختارها از این رو اهمیت دارند که دامنه بازیگری کشورهای مسلمان تولید کننده نفت را مشخص می کنند. در نتیجه در سال های نخست قرن جدید، بار دیگر زمینه بازیگری کشورهای مسلمان، در بازار پترو دلار رو به افزایش گذاشته شده است. دلار آمریکا در بازار پترو دلار به عنوان ساختار اصلی، رابطه ای تنگاتنگ با قاعده بازی بازیگران مسلمان در جریان های کلان عرضه و تقاضای بازار نفت بین الملل دارد. روندهای عرضه و تقاضا در بازار نفت به طور کلی از استمرار رشد تقاضا از سوی دولت هژمونیک و بروز موانع در عرضه و تولید نفت از سوی کشورهای مسلمان حکایت دارند. گزارش مراکز مختلف از توقف رشد عرضه نفت متعارف (اوج تولید) از سال ۲۰۰۶ به بعد حکایت دارد و در نتیجه، بخش مهمی از نوسان های شدید بهای نفت در سال های اخیر را باید به همین عامل نسبت داد.

امروزه تحلیل‌ها و حتی گزارش‌های مراکز نفتی و انرژی جهانی در رسانه‌های بین‌الملل، بر پایه ملاحظات و مصالح مختلف هژمونیکی مطرح می‌شود. آژانس بین‌المللی انرژی مدت‌ها از پذیرش قریب الوقوع بودن اوج تولید نفت متعارف طفره می‌رفت. اوپک نیز نمی‌پذیرد که در سال‌های اخیر که قیمت‌ها بی‌سابقه نوسان یافته، در عرضه نفت مشکل وجود دارد. با این حال منابع مستقل تحلیل‌گر شرایط بازار پترودلار، بر این باورند که بازار نفت در شرایط اوج تولید به سر می‌برد و افزایش بهای نفت امری گریزناپذیر خواهد بود.

۷. پیشنهادات

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین عمق بحران‌های ناشی از شوک نفتی، سهم نفت و محصولات نفتی در تولید ناخالص یک کشور رابطه مستقیمی وجود دارد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود:

۱. سیاست‌گذاران جهان اسلام از درجه اهمیت بخش نفت در موتور تولیدی خود بکاهند.
۲. سیاست‌گذاران جهان اسلام پس از شناسایی بخش‌های پرطرفیت و زودبازده، نقش این بخش‌ها را در مقابل بخش نفتی تقویت کنند.
۳. استراتژی غالب کشورهای جهان اسلام در زمان بحران‌های نفتی می‌بایست تغییر جهت سرمایه‌گذاری از بخش نفت به سایر بخش‌های پرطرفیت و افزایش سطح بهره‌وری در اقتصاد خرد و زود بازده باشد.

۸. قدردانی

نویسنده بر خود لازم می‌داند از حمایت‌های مادی و معنوی دانشگاه تهران تشکر و قدردانی نمایند.

Reference

1. Azari, Mohamad Hadi (2007). The hegemony of the dollar, the euro and the national security of Iran, the Institute for Economic Policy Research. **[In Persian]**
2. Bina, Cyrus (2006). The Globalization of Oil: A Prelude to a Critical Political Economy, Journal of Political Economy, Vol. 35, No. 2.
3. Blair, John Malcolm. (1976). The Control of Oil.
4. Everest, Larry (2006). Oil, Power and Empire, translation by Iqbal Taleghani, other publication. **[In Persian]**
5. Gokay, Bulent (2006). The Politics of oil, A Survey, Routledge.
6. Hajiyousefi, Amir Mohamad (2000). OPEC in the Age of Globalization of Economics, Foreign Policy, Fourteenth Year. **[In Persian]**
7. HajiYousefi, Amir Mohamad (2002). Waltz Theory and Foreign Policy of Iran, Foreign Policy, Sixteenth Year, No. 4 **[In Persian]**
8. Heshmatzadeh, Mohamad Bagher (2000). Iran and Petroleum; The Political Sociology of Petroleum in Iran from 1978 to 1979, Islamic and Iranian Recognition Center. **[In Persian]**
9. Marsh, David (1999). Methodology and Theory in Political Science, translated by Amir mohammad Haji- Yousefi, Institute for Strategic Studies. **[In Persian]**
10. Mirtorabi, Saeid (2005). Iranian Oil Issues, Qomes Publishing. **[In Persian]**
11. Mohebbi, Ali (2016). Millennium Bay in Crisis, Amir Kabir Publishing. **[In Persian]**
12. Morse, Edward L (1999). A New Political Economy of Oil?, Journal of International Affairs, No. 53.
13. Najafi-Sayyar, Rahman (2010). US Patterns of Behavior toward China, Sayyed Shirazi research Center Publications. **[In Persian]**
14. Noreng, Oystein (2006). Crude Power, Politics and the Oil Market, 1. B. Tauris & Co. ltd
15. Telhami, Shibley (2003). Understanding US Oil Strategy in the Gulf, Saeed Mirtrabi's translation, Strategic Report, Strategic Studies Institute. **[In Persian]**
16. Yergin, Daniel (1995). World Oil History, Translated by Gholam Hossein Salehyar, Information Publication, Volume I and II. **[In Persian]**